



• امام حسین (ع) در قیام عاشورا به دنبال چه هدفی بودند؟

« ... یک درس اصلی در حرکت و قیام امام حسین (ع) وجود دارد که من امروز سعی خواهم کرد، آن را به شما عرض کنم....

به امام حسین (ع) می‌گفتند: شما در مدینه و مکه، محترمید و در یمن، آن همه شیعه هست. به گوشه‌ای بروید که با یزید کاری نداشته باشید، یزید هم با شما کاری نداشته باشد! این همه مرید، این همه شیعیان؛ زندگی کنید، عبادت و تبلیغ کنید! چرا قیام کردید؟ قضیه چیست؟

این، آن سؤال اصلی است. این، آن درس اصلی است. نمی‌گوییم کسی این مطلب را نگفته است؛ چرا، انصافاً در این زمینه، خیلی هم کار و تلاش کردند، حرف هم زیاد زدند. حال این مطلبی را هم که ما امروز عرض می‌کنیم، به نظر خودمان یک برداشت و دید تازه‌ای در این قضیه است.

دوست دارند چنین بگویند که حضرت خواست، حکومت فاسد یزید را کنار بزند و خود یک حکومت، تشکیل دهد. این هدف قیام ابی‌عبدالله (ع) بود. این حرف، نیمه‌درست است؛ نمی‌گویم غلط است. اگر مقصود از این حرف، این است که آن بزرگوار برای تشکیل حکومت قیام کرد، به این نحو که اگر ببیند نمی‌شود انسان به نتیجه برسد، بگوید نشد دیگر، برگردیم، این غلط است.

بله؛ کسی که به قصد حکومت، حرکت می‌کند، تا آنجا پیش می‌رود که ببیند این کار، شدنی است. تا دید احتمال شدن این کار، یا احتمال عقلایی وجود ندارد، وظیفه‌اش این است که برگردد. اگر هدف، تشکیل حکومت است، تا آنجا جایز است انسان برود که بشود رفت. آنجا که نشود رفت، باید برگشت. اگر آن کسی که می‌گوید هدف حضرت از این قیام، تشکیل حکومت حقّه علوی است، مرادش این است این درست نیست؛ برای اینکه مجموع حرکت امام (ع)، این را نشان نمی‌دهد.

در نقطه مقابل، گفته می‌شود: نه آقا، حکومت چیست؛ حضرت می‌دانست که نمی‌تواند حکومت تشکیل دهد؛ بلکه اصلاً آمد تا کشته و شهید شود! این حرف هم مدّتی بر سرنیزان‌ها خیلی شایع بود؛ بعضی با تعبیرات زیبای شاعرانه‌ای هم این را بیان می‌کردند؛ حتّی من دیدم بعضی از علمای بزرگ ما هم این را فرموده‌اند. این حرف که اصلاً حضرت، قیام کرد برای اینکه شهید شود، حرف جدیدی نبوده است. گفت: چون با ماندن نمی‌شود کاری کرد، پس برویم با شهیدشدن، کاری بکنیم!

• شهادتِ صحیح اسلامی در متون دینی

این حرف را هم، ما در اسناد و مدارک اسلامی نداریم که برو خودت را به کام کشته‌شدن بینداز. ما چنین چیزی نداریم. شهادتی را که ما در شرع مقدّس می‌شناسیم و در روایات و آیات قرآن از آن نشان می‌بینیم، معنایش این است که انسان به دنبال هدف مقدّسی که واجب یا راجح است، برود و در آن راه، تن به کشتن هم بدهد. این، آن شهادتِ صحیح اسلامی است؛ اما این که آدم، اصلاً راه بیفتد برای اینکه «من بروم کشته شوم» یا یک تعبیر شاعرانه چینی که «خون من پای ظالم را بلغزاند و او را به زمین بزند»، اینها آن چیزی نیست که مربوط بدان حادثه به آن عظمت است. در این هم بخشی از حقیقت هست؛ اما هدف حضرت، این نیست.

پس به‌طور خلاصه، نه می‌توانیم بگوییم که حضرت قیام کرد برای تشکیل حکومت و هدفش تشکیل حکومت بود و نه می‌توانیم بگوییم حضرت برای شهیدشدن قیام کرد. چیز دیگری است که من سعی می‌کنم در خطبه اوّل – که عمده صحبت من هم امروز، در خطبه اوّل همین قضیه است – ان‌شاءالله این را بیان کنم.

بنده به نظرم این‌طور می‌رسد: کسانی که گفته‌اند «هدف، حکومت بود»، یا «هدف، شهادت بود»، میان هدف و نتیجه، خلط کرده‌اند. نخیر؛ هدف، اینها نبود. امام حسین (ع)، هدف دیگری داشت؛ منتها رسیدن به آن هدف دیگر، حرکتی را می‌طلبید

معرفی کتاب

مجموعه حاضر، رهنمودهای ارزشمند شهید امام خاتنه‌ای(ع) در موضوع درس‌های عاشورا است که مشتمل بر تمامی بیانات رهبری از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۰ در مورد سرور و سالار شهیدان، امام حسین(ع) است. و به دور از هرگونه دخل و تصرف در کلام معظّم‌له و تنها با نمایه‌زنی و تیتربندی مطالب در اختیار خوانندگان محترم قرار می‌گیرد.

درباره کتاب

این اثر در قالب کتاب مرجع، به‌گونه‌ای سامان یافته که بتواند مبنای پژوهش محققان این حوزه قرار گیرد، تا با مراجعه به آن، بتوانند با توجه به دیدگاه‌های رهبری در این موضوع، تحقیقات خود را گسترش دهند. با بررسی‌های صورت‌گرفته، به نظر رسید بهترین روش برای تدوین این مجموعه، «تدوین تمام مطالب بر اساس سیر زمانی بیانات» است. فهرست تفصیلی این اثر مشتمل بر شش بخش کلی با عناوین «کلیّات، امام‌حسین، عاشورا، یاران عاشورا، دشمنان عاشورا، زیارات و ادعیه» است.

آفتاب در مصاف: علل و ابعاد حادثه عاشورا

نشانی هایی که در پاورقی آمده، مستندات قرآنی، روایی و تاریخی است. به بخشی از مستندات تاریخی که جنبه تحلیلی دارد، پرداخته نشده است. شیوای انتخاب منابع در پاورقی‌ها نیز بدین صورت بوده که در موضوعات تاریخی، یک منبع شیعی، یک منبع سنی و نیز «بحارالانوار» به عنوان کتاب مرجع در دسترس، به ترتیب تقدم قرنی و زمانی این منابع ذکر گردیده و در موضوعات روایی، به کتاب‌های معتبر روایی استناد داده شده است.

صفحاتی از کتاب

معرفت واحساس عاشورایی

عاشورا، یک «معرفت» و «احساس» است. مَلّت ما، «احساس عاشورا» را دارد. می‌بینید در جلسات سینه‌زنی، وقتی بزرگ‌ها سینه می‌زنند، بچه هفت، هشت ساله هم بلند می‌شود، پیراهنش را مثلاً به کمرش می‌بندد، سینه می‌زند. این احساس عاشورا چیز خیلی خوبی است و هیچ فلسفه و فلسفه‌بافی‌یی هم جایش را نمی‌گیرد. همه کار بزرگان و مصلحین این بوده است که با استفاده

که این حرکت، یکی از دو نتیجه را داشت: «حکومت» یا «شهادت»؛ البته حضرت برای هر دو هم آمادگی داشت. هم مقدّمات حکومت را آماده کرد و می‌کرد؛ هم مقدّمات شهادت را آماده کرد و می‌کرد. هم برای این توطین نفس می‌کرد، هم برای آن. هرکدام هم می‌شد، درست بود و ایرادی نداشت؛ اما هیچ‌کدام هدف نبود؛ بلکه دو نتیجه بود. هدف، چیز دیگری است.

• واجب عظیمی که قبل از امام حسین (ع) حتّی پیغمبر(ص) انجام نداده بودند

هدف چیست؟ اوّل آن هدف را به‌طور خلاصه در یک جمله عرض می‌کنم؛ بعد مقداری توضیح می‌دهم.

اگر بخوایم هدف امام حسین (ع) را بیان کنیم، باید این‌طور بگوییم که هدف آن بزرگوار، عبارت بود از انجام‌دادن یک واجب عظیم از واجبات دین که آن واجب عظیم را هیچ‌کس قبل از امام حسین (ع) – حتّی خود پیغمبر(ص) – انجام نداده بود. نه.

پیغمبر این واجب را انجام داده بود، نه امیرالمؤمنین، نه امام حسن مجتبی (ع).

واجبی بود که در بنای کلی نظام فکری و ارزشی و عملی اسلام، جای مهمّی دارد. با وجود این‌که این واجب، خیلی مهم و بسیار اساسی است، تا زمان امام حسین (ع)، به این واجب عمل نشده بود – عرض می‌کنم که چرا عمل نشده بود – امام حسین (ع) باید این واجب را عمل می‌کرد تا درسی برای همه تاریخ باشد. مثل اینکه پیغمبر(ص) حکومت تشکیل داد؛ تشکیل حکومت درسی برای همه تاریخ حکمش را نیاورد. با پیغمبر(ص)، جهاد فی‌سبیل‌الله کرد و این درسی برای همه تاریخ مسلمین و تاریخ بشر– تا ابد– شد. این واجب هم باید به‌وسیله امام حسین (ع) انجام می‌گرفت تا درسی عملی برای مسلمانان و برای طول تاریخ باشد.

حالا چرا امام حسین این کار را بکند؟ چون زمینه انجام این واجب، در زمان امام حسین (ع) پیش آمد. اگر این زمینه در زمان امام حسین (ع) پیش نمی‌آمد؛ مثلاً در زمان امام علی‌النقی (ع) پیش می‌آمد، همین کار را امام علی‌النقی (ع) می‌کرد و حادثه عظیم و ذبح عظیم تاریخ اسلام، امام علی‌النقی علیه‌الصّلاه‌والسّلام می‌شد. اگر در زمان امام حسن مجتبی یا در زمان امام صادق (ع) هم پیش می‌آمد، آن بزرگواران عمل می‌کردند. در زمان قبل از امام حسین (ع)، پیش نیامد؛ بعد از امام حسین (ع) هم در تمام طول حضور ائمه تا دوران غیبت، پیش نیامد!

پس هدف، عبارت شد از انجام این واجب که حالا شرح می‌دهم این واجب چیست. آن وقت به‌طور طبیعی انجام این واجب، به یکی از دو نتیجه می‌رسد: یا نتیجه‌اش این است که به قدرت و حکومت می‌رسد؛ اهلاً و سهلاً، امام حسین (ع) حاضر بود. اگر حضرت به قدرت هم می‌رسید، قدرت را محکم می‌گرفت و جامعه را مثل زمان پیغمبر و امیرالمؤمنین (ع) اداره می‌کرد. یک وقت هم انجام این واجب، به حکومت نمی‌رسد، به شهادت می‌رسد. برای آن هم امام حسین (ع) حاضر بود.

• اگر جامعه اسلامی دچار انحراف شود و این انحراف به جایی برسد که بیوم انحراف کلّ اسلام و معارف آن مطرح شود، تکلیف چیست؟

حال اندکی قضیه را توضیح دهیم. برادران و خواهران نمازگزار عزیز! پیغمبر اکرم (ص) و هر پیغمبری وقتی که می‌آید، یک مجموعه احکام می‌آورد. این احکامی را که پیغمبر می‌آورد، بعضی فردی است و برای این است که انسان خودش را اصلاح کند. بعضی اجتماعی است و برای این است که دنیای بشر را آباد و اداره کند و اجتماعات بشر را به‌پا بدارد. مجموعه احکامی است که به آن نظام اسلامی می‌گویند.

سؤالی در اینجا باقی می‌ماند و آن اینکه: اگر این قطاری را که پیغمبر اکرم (ص) بر روی این خط به راه انداخته است، دستی یا حادثه‌ای آمد و آن را از خط خارج کرد، تکلیف چیست؟ اگر جامعه اسلامی منحرف شد، اگر این انحراف به جایی رسید که خوف

تحلیل حکیمانه شهید امام خامنه‌ای درباره هدف اصلی قیام امام حسین (ع)

رهبر انقلاب در تاریخ ۱۹ خردادماه سال ۷۴ در خطبه‌های نماز جمعه، به تحلیل علل و انگیزه‌های قیام امام حسین (ع) پرداخته‌اند. موضوعی که در این سال‌ها در برخی محافل فکری و روشن‌فکری دینی، همچنان محل بحث و گفت‌وگو است.

تحلیل چرایی رخداد عاشورا در طول هزار و اندی سال که از آن می‌گذرد، همواره در کانون مباحث فکری مسلمانان بوده است. برخی از این تحلیل‌ها، از زاویه عرفانی و باطنی به آن پرداخته‌اند و شهادت را تنها راه آگاهانه امام برای حفظ اسلام دانسته‌اند. برخی دیگر آن را از منظر سیاسی و اجتماعی نگریسته‌اند. در حوزه دوم نیز بحث‌های زیادی در گرفته است که آیا امام حسین (ع) قیام کرد تا حکومت تشکیل دهد؛ آیا امام حسین (ع) خود را موظف به این کار می‌دانست؟ یا صرفاً به دنبال امر به معروف و نهی از منکر بود و در پی به دست گرفتن حکومت نبود.

با وجود تنوع آرا در این زمینه‌ها، هدف امام حسین (ع) در آن‌ها، همواره در قالب یکی از دو قطب تشکیل حکومت یا شهادت آگاهانه و خودخواسته دسته‌بندی شده است؛ اما رهبر انقلاب در تحلیل بدیعی که در بیش از دو دهه قبل ارائه کرده‌اند، ماجرا را به‌گونه دیگری روایت کرده‌اند. از نظر ایشان «هدف اصلی» قیام، نه تشکیل حکومت بود نه شهادت.

انحراف کلّ اسلام و معارف اسلام بود، تکلیف چیست؟

دو نوع انحراف داریم. یک وقت مردم فاسد می‌شوند – خیلی وقت‌ها چنین چیزی پیش می‌آید– اما احکام اسلامی از بین نمی‌رود؛ لیکن یک وقت مردم که فاسد می‌شوند، حکومت‌ها هم فاسد می‌شوند، علما و گویندگان دین هم فاسد می‌شوند! از آدم‌های فاسد، اصلاً دین صحیح صادر نمی‌شود. قرآن و حقایق را تحریف می‌کنند؛ خوب‌ها را بد، بد‌ها را خوب، منکر را معروف و معروف را منکر می‌کنند! خطّی را که اسلام –مثلاً– به این سمت کشیده است، ۱۸۰ درجه به سمت دیگر عوض می‌کنند! اگر جامعه و نظام اسلامی به چنین چیزی دچار شد، تکلیف چیست؟

در زمان امام حسن (ع) که معاویه در رأس حکومت است، اگرچه خیلی از نشانه‌های آن انحراف، پدید آمده است، اما هنوز به آن حدّی نرسیده است که خوف تبدیل کلی اسلام وجود داشته باشد. شاید بشود گفت، در برهه‌ای از زمان، چنین وضعیتی هم پیش آمد؛ اما در آن وقت، فرصتی نبود که این کار انجام گیرد؛ موقعیت مناسبی نبود.

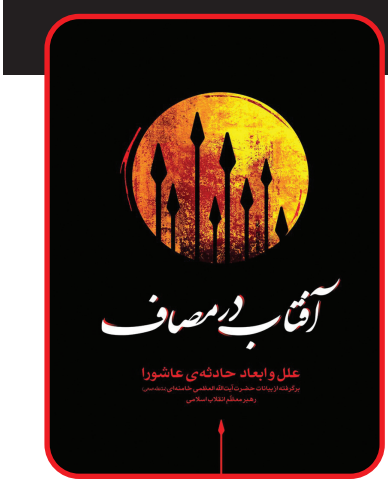
در زمان امام حسین (ع)، هم آن انحراف به وجود آمده، هم آن فرصت پیدا شده است. پس امام حسین (ع) باید قیام کند؛ زیرا انحراف پیدا شده است. برای اینکه بعد از معاویه کسی به حکومت رسیده است که حتّی ظواهر اسلام را هم رعایت نمی‌کند! شُرب خمر و کارهای خلاف می‌کند. تعرضات و فسادهای جنسی را واضح انجام می‌دهد. علیه قرآن حرف می‌زند. علناً شعر برخلاف قرآن و بر زرد دین می‌گوید و علناً مخالف با اسلام است؛ منتها چون اسمش رئیس مسلمان‌هاست، نمی‌خواهد اسم اسلام را براندازد. او عامل به اسلام، علاقه‌مند و دلسوز به اسلام نیست؛ بلکه با عمل خود، مثل چشمه‌ای که از آن مرتب آب گندیده تراوش می‌کند و بیرون می‌ریزد و همه دامنه را پر می‌کند، از وجود او آب گندیده می‌ریزد و همه جامعه اسلامی را پر خواهد کرد. چنین کسی با آن فساد، بعد از معاویه، خلیفه مسلمین شده است؛ خلیفه پیغمبر؛ از این انحراف بالاتر؟!

زمینه هم آماده است. زمینه آماده است، یعنی چه؟ یعنی خطر نیست. چرا؛ خطر که هست. مگر ممکن است کسی که در رأس قدرت است، در مقابل انسان‌های معارض، برای آنها خطر نیافریند؟ جنگ است دیگر. شما می‌خواهی او را از تخت قدرت پایین بکشی و او بنشیند، تماشا کند! بدیهی است که او هم به شما ضربه می‌زند. پس خطر هست.

اینکه می‌گوییم موقعیت مناسب است، یعنی فضای جامعه اسلامی، طوری است که ممکن است پیام امام حسین (ع) به گوش انسان‌ها در همان زمان و در طول تاریخ برسد. اگر در زمان معاویه، امام حسین (ع) می‌خواست قیام کند، پیام او دفن می‌شد. این به‌خاطر وضع حکومت در زمان معاویه است. سیاست‌ها به‌گونه‌ای بود که مردم نمی‌توانستند حقّانیت سخن حق را بشنوند؛ لذا همین بزرگوار، ۱۰سال در زمان خلافت معاویه، امام بود؛ ولی چیزی نگفت؛ کاری، اقدامی و قیامی نکرد؛ چون موقعیت آنجا مناسب نبود.

پس هدف، عبارت شد از بازگرداندن جامعه اسلامی به خطّ صحیح. چه زمانی؟ آن وقتی که راه، عوضی شده است و جهالت و ظلم و استبداد و خیانت‌کسانی، مسلمین را منحرف کرده و زمینه و شرایط هم آماده است.

این، آن کاری بود که امام حسین (ع) انجام داد. منتها امام حسین (ع) آن کسی بود که برای اوّلین‌بار این حرکت را انجام داد. قبل از او انجام نشده بود؛ چون قبل از او– در زمان پیغمبر و امیرالمؤمنین (ع) – چنین زمینه و انحرافی به وجود نیامده بود، یا اگر هم در مواردی انحرافی بود، زمینه مناسب و مقتضی نبود. زمان امام حسین (ع)، هر دو وجود داشت. در باب نهضت امام حسین (ع)، این اصل قضیه است.»



فراموشی دهند و کوچک کنند، او را حفظ و بزرگ کرد و ماندگار و جاودان نمود، علّت همین بود که این سه خصوصیت را داشت: اوّلًا، با اخلاص بود و برای خود چیزی نمی‌خواست؛ ثانیًا، به خدای خود اعتماد داشت و می‌دانست که کار و هدف، تحقق پیدا خواهد کرد، به بندگان خدا هم اعتماد داشت؛ ثالثاً، زمان و «موقع» را از دست نداد؛ در لحظه لازم، اقدام لازم، صحبت لازم، اشاره لازم و حرکت لازم را کرد.